

شهین فارابی
عضر میات علمی
دانشگاه پیام نور بیرجند
Farabi_sh@yahoo.com

نقش ابریشم در مناسبات تجاری ایران و هلند در عصر صفویه

چکیده:

تولید ابریشم در ایران، سابقه بسیار طولانی دارد و ایرانیان از دیر باز، با این کالای ارزشمند آشنا بوده‌اند. تولید این کالا، به طور عمده در شهرهای شمالی ایران رواج دارد. در قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی، با ورود پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها، و سپس هلندی‌ها به ایران، به علت نیاز آنها به ابریشم، این محصول، وارد بازارهای جهانی شد و عاملی برای رقابت شدید میان این کشورها گردید. در این مقاله تلاش شده است تا به نقش ابریشم در روابط تجاری ایران و هلند در عصر صفویه پرداخته شود و این که چگونه هلندی‌ها با استفاده از تجارب کافی در مورد تجارت شرق و تأسیس شرکت هند شرقی هلند و اخراج پرتغالی‌ها، از رقبای خود گوی سبقت را ربودند و با اعزام نمایندگان خود به ایران، از دوره شاه عباس به بعد با ایران روابط تجاری برقرار کردند و مشتری عمده ابریشم ایران شدند. بدون شک، این موضوع، اقتصاد ایران صفوی را تحت تأثیر قرار داد.

رتال جامع علوم انسانی

کلید واژه:

ابریشم، مناسبات تجاری، ایران، هلند، مناسبات با صفویه.

مقدمه

ابریشم، محصولی است که سال‌ها قبل از عصر صفوی در ایران تولید می‌شده و به عنوان یک کالای مهم تجاری مطرح بود. اما هیچ‌گاه به اندازه عصر صفوی برای ایران، اهمیت تجاری و صادراتی نداشته است. این مسأله به افزایش روابط تجاری ایران با دول اروپایی (پرتغال، انگلیس و هلند) بر می‌گردد. در این پژوهش، محور اساسی بحث «نقش ابریشم» در روابط تجاری ایران و هلند است. نخست با بیان کلیاتی در مورد محصول ابریشم، انواع آن و مراکز کشت آن، به اهمیت این کالا بپردازیم. پس از آن، به تأسیس شرکت هند شرقی هلند در خلیج فارس، رویکرد تجار هلندی به ابریشم و نحوه عملکرد نمایندگان این شرکت در رابطه با صدور این کالا از ایران، و در پایان، به نقش ابریشم از آغاز این روابط یعنی از زمان شاه عباس اول تا پایان دوره صفوی پرداخته شده است. مشکلاتی که در جریان این پژوهش، با آنها مواجه بوده‌ایم، عدم دسترسی به اسناد آرشیوی عصر صفوی در زمینه تجارت خارجی این دوره می‌باشد. از سوی دیگر، به دلیل نداشتن آماری دقیق از میزان تولید ابریشم و حجم صادرات آن به هلند، حدود و ثغور روابط تجاری ایران و هلند را در سال‌های مختلف در یک نمودار، نمی‌توان ترسیم نمود.

نگاهی به پیشینه تولید ابریشم در ایران:**تولید ابریشم در ایران**

ابریشم، یکی از محصولات مهم و سودمند، در عصر صفوی به شمار می‌رفت. این کالا، صرفاً در شهرهایی از ایران تولید می‌شد که دارای شرایط مساعد طبیعی باشد. یکی از سفرنامه نویسان اروپایی، پس از شرح مفصلی از چگونگی پرورش کرم ابریشم، می‌نویسد:

«دیدن کار تغییر و تحول و تخم‌گذاری این کرم کوچک، نشانی

است از یکی از رازهای بزرگ و شگفت‌انگیز طبیعت که [محصول آنها]،

ثروت هنگفتی برای ایرانیان، به ویژه آنان که چندین محوطه برای پرورش کرم ابریشم دارند، به ارمغان می‌آورد»^۱.

انواع ابریشم ایران

ابریشم ایران، عموماً در منابع انگلیسی و هلندی، به ترتیب درجه اهمیت و میزان سودی که برای هر کدام از این کشورها دارد، به انواع مختلفی تقسیم شده است. انواع ابریشم در منابع انگلیسی، عبارتند از: آرداس، آرداست و کاناری و در منابع هلندی عبارتند از: شعربافی، کدخدا پسند و خرواری.

لازم به ذکر است که در هر یک از ادوار صفوی، نوع خاصی از این ابریشم‌ها مبادله می‌شد، از جمله در نیمه اول قرن هفدهم، «خرواری» و در نیمه دوم قرن هفدهم «کدخدا پسند» مورد مبادله بود.^۲

مراکز تولید ابریشم

بحث مراکز تولید ابریشم و راه‌های ارتباطی آن در شهرهای ایران، یکی از مباحث مهمی است که امروز نیز مطرح است و «هنوز بقایای نفوذ کاروان‌های ابریشم را در اصطلاح «پل ابریشم» که نزدیک شاهرود است، در کتاب‌های تاریخی می‌توان دید».^۳

مراکز تولید ابریشم ایران در عصر صفوی، عبارت بود از: گیلان، مازندران، استر آباد، اردبیل، شیروان، شماخی، قراباغ، خراسان^۴ و دیگر شهرهای داخلی ایران مثل کرمان، یزد و طبس که میزان محصول در این شهرهای داخلی کمتر از بقیه بوده است.^۵

ابریشم ایران در عرصه تجارت خارجی

گسترش تولید ابریشم، در عصر صفوی یکی از عوامل ورود اروپائیان به ایران و رقابت‌های تجاری، سیاسی آنها بود.^۶ توسعه صادرات ابریشم به کشورهای اروپایی، برای ایران، ثروت هنگفتی به ارمغان می‌آورد.^۷ هر سال، مقدار زیادی ابریشم خام یا به عبارت

دیگر ابریشم بافته نشده ایران به کشورهای نظیر عثمانی، لهستان، مسکو [و هلند] حمل می‌شد و به مصارف خاص، از جمله قلاب دوزی، پارچه بافی و... می‌رسد.^۸ «معمولاً در برابر ابریشم، کالاهای اروپایی، خصوصاً «ماهوت»^۹ دریافت می‌شد.

میزان تولید ابریشم ایران، در عصر صفوی، تابع نوسانات روابط خارجی بود، مثلاً می‌بینیم که تولید آن در فاصله قرن سیزده تا هفده، افزایش داشت، اما در اواخر قرن هفدهم، به خاطر بحران همه جانبه حاکم بر اقتصاد ایران، سیر صعودی آن متوقف شده و دوباره در فاصله قرن هیجدهم میلادی / دوازدهم هجری کاهش چشمگیری داشته است.^{۱۰}

هلند و تجارت ابریشم ایران

ابریشم، یکی از مال‌التجاره‌های باارزشی بود که جامعه آن روز هلند، برای تهیه پارچه، زری و قالی و... به شدت، خواهان آن بود. انحصار ابریشم که عموماً برای هلندی‌ها، بسیار تحریک برانگیز بود، عموماً در دست انگلیسی‌ها بود، علاوه بر آن، پرتغالی‌ها نیز، یکی از منابع بزرگ برسر راه هلند، محسوب می‌شد.^{۱۱} هلندی‌ها، پس از استقلال ایالات شمالی کشورشان و استحکام مواضع خود در هند، تعدادی از کشتی‌های خود را روانه شرق نموده،^{۱۲} به رقابت با پرتغالی‌ها پرداختند. آنها، پس از اخراج پرتغالی‌ها از جزیره هرمز، متوجه خلیج فارس شده و تجارت خانه‌ای را به عنوان مرکز تجاری خود در بندر عباس قرار دادند.^{۱۳} مداخله روز افزون هلندی‌ها در تجارت خلیج فارس [به منظور انحصار ابریشم]، بی‌شک، خطری بزرگ برای سیاست تجاری انگلیس محسوب می‌شد.^{۱۴} سرانجام رقابت تجاری این دو کشور به جنگی دریایی در خلیج فارس منجر شد.^{۱۵} سرانجام، هلندی‌ها که چشم دیدن رقیب دیگری بر سر راه خود نداشتند، انحصار تجارت ابریشم را در اصفهان به دست آوردند.

پایه ریزی شرکت هند شرقی هلند

در اواسط قرن شانزدهم میلادی / دهم هجری، هلند، که همواره خواهان روابط مستقیم تجاری با هندوستان بود با اعزام نمایندگان مختلف به هند، می‌خواست از طریق پرتغال، با این کشور، مرتبط باشد ولی چون تجار دیگر مثل اسپانیولی‌ها، در این میان دخالت داشتند، در سال ۱۵۹۷ م. «شرکت تجارت با کشورهای دور دست» ایجاد شد^{۱۶} و به تدریج، به علت رقابت با انگلیس و جلوگیری از ضررهای بسیار، تجارت خود را گسترش داده و در سال ۱۶۰۲ این شرکت، را تبدیل به شرکت هند شرقی هلند نمودند که درست به مانند نمونه انگلیسی‌ها بود.^{۱۷} این مطلب، در کتاب تاریخ سیاست خارجی ایران، به گونه‌ای دیگر ذکر شده، در این کتاب، تقدم پیدایی، به شرکت هند شرقی هلند، داده شده و چنین عنوان شده که «بر اثر رقابت این شرکت هلندی بود که انگلیس‌ها هم شرکت هند شرقی انگلیس» را بنیان نهادند. زیرا انگلیس در تجارت ادویه، به مناسبت رقابت هلند، زیان‌های فاحش دیده بودند.^{۱۸} پس از تأسیس کمپانی هند شرقی هلند، یعنی در سال ۱۶۰۳، یک کشتی پرتغالی حامل ابریشم ایران، به دست تجار هلندی افتاد و چون فروش آنها به یک باره، سود کلانی برای آنها داشت، خواهان تجارت این کالا در ایران شدند.^{۱۹}

نحوه فعالیت‌های کمپانی هند شرقی هلند در زمینه تجارت ابریشم ایران

کمپانی هند شرقی هلند، با تخلیه بار کشتی‌های خود در بندر عباس و تحویل آنها به مغازه‌های شاهی، در برابر، ابریشم دریافت می‌کرد.^{۲۰} تا وقتی که امنیت راه‌های دریایی و حمایت لوژستیک و سرمایه تجاری برای تجارت ابریشم ایران فراهم بود، کمپانی هلند، به طور نسبی در کار خود موفق بود.^{۲۱} ترتیب معاملات کمپانی، به این نحو بود که یک تاجر هلندی، یکی از مهم‌ترین مراکز تولید ابریشم [مثل رشت] را انتخاب می‌کرد؛ وقتی به آنجا می‌رفت، به طور کامل خود را معرفی می‌کرد، تا شاید امتیاز ابریشم را به دست آورد. ابریشم، از اندوخته‌های سلطنتی انتخاب می‌شد. قبل از هر چیز، عدل‌ها^{۲۲}، باز شده و یک روز کامل، برای خشک شدن، در آفتاب نگهداری می‌شد. آن گاه، دولت به نماینده هلند

اجازه می‌داد که این ابریشم را به حضور قاضی ببرند و وزن نمایند. پس از توزین عادلانه، عدل‌ها در پارچه‌های کتان، بسته‌بندی شده [از طریق راه خشکی] به وسیله شتر، آماده راهی طولانی و ناهموار به مقصد خلیج فارس می‌گردید.^{۲۲} غالباً برای ابریشم در طول این مسیر، یک سری هزینه‌های ثابت وجود داشت که عبارت بودند از: حق کاروانسراداران، حق عوارض پل داری (راهداری)، اعطای هدایایی برای رهایی از عوارض راهداری، دستمزد کارگران در بسته بندی و... اگر نظارت دقیقی، بر این هزینه‌ها صورت می‌گرفت هرگز میزان آن افزایش نمی‌یافت. یکی از مسائل مهم و قابل بحث، در جریان حمل و نقل ابریشم، موضوع وزن آن بود، چرا که پس از بازرسی عدل‌ها در اصفهان، بسته‌بندی مجدد آن و نهایتاً رسیدن به مقصد (هلند)، در آنجا، مشاهده می‌شد که عدل‌ها، چند پوند، سبک‌تر از وزن ابتدای سفرشان بود.^{۲۳} این موضوع، می‌توانست برای تجارت هلندی‌ها، بسیار زیان‌بار باشد. به طور قطع، بعضی عوامل، به طور طبیعی، در کاستن وزن ابریشم، مؤثر بود. از جمله، هوای مرطوب راه‌های شمالی ایران و یا عرق شتر، در طول راه‌های قزوین، اصفهان و احتمالاً گمبرون و... این مسائل، خود باعث شکایت مدیران کمپانی هند شرقی هلند، می‌گردید. مدیران کمپانی موظف بودند، برای از بین بردن عوامل کاهش وزن ابریشم، بر کیفیت و تحول آن، نظارت [جدی] داشته و میزان و درجه کیفیت هر عدل را به شکل برجسب، در داخل بسته‌بندی قرار دهد و در بازرسی مجدد، این برجسب را در داخل عدل‌ها بزند.^{۲۴} ناگفته نماند که بنا به یک گزارش در ژانویه سال ۱۶۳۹ م. گاه دیده می‌شد که پس از بررسی عدل‌ها، وزن لیست شده، با وزن حقیقی‌شان، مطابقت ندارد و این، دیگر به تأثیر عوامل طبیعی ربطی نداشت [بلکه چیزی نبود جز تقلب].^{۲۵} شاید، این مسأله، در نتیجه پاسخ به نیرنگ‌های تجارتهای خود هلندی‌ها باشد، چرا که در میان تجار ایرانی معروف بود که

«با تمام فرنگیان می‌توان معامله کرد مگر با هلندی‌ها که تمام عالم را

فریب می‌دهند و فریب دادن ایشان امری محال است».^{۲۶}

مناسبات اقتصادی ایران و هلند در زمینه ابریشم در عصر صفویه

در زمان شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب اول، ایران با هلند روابط تجاری در زمینه ابریشم نداشت. این خود می‌تواند به چند دلیل باشد، نخست اوضاع داخلی کشور که به سبب جنگ‌ها و ناآرامی‌هایی که به جهت پایه‌ریزی و سپس تثبیت این سلسله فاقد نظم و امنیت لازم برای پرداختن به تجارت بود. دوم، وجود رقبای اروپایی هلند، از جمله پرتغال و انگلیس، که سعی داشتند با فرستادن نمایندگان مختلف به ویژه به دربار شاه طهماسب، امتیازاتی را در مورد ابریشم به دست آورند. سوم، نداشتن پایگاه تجاری در خلیج فارس. براین اساس، آغاز روابط تجاری ایران با هلند، از زمان شاه عباس اول مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تجارت ابریشم ایران و هلند در زمان شاه عباس اول (۹۸۹-۱۰۳۸ ه.ق)

در زمان شاه عباس اول، ابریشم، یکی از محصولات مهم بازرگانی بوده که [در داخل و خارج از ایران] از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود.^{۲۷} چون تجارت ابریشم، بزرگ‌ترین منبع در آمد نقدی خزانه شاه عباس به شمار می‌رفت، این برنامه‌ریزی اقتصادی شاه را می‌توان، یکی از بزرگترین موفقیت‌های شاه محسوب نمود.^{۲۸}

سیاست داخلی شاه عباس اول در زمینه تجارت ابریشم

سیاست داخلی شاه عباس اول، بر این بود که اجناس بازرگانان بیگانه را به بهایی ناچیز خریده، به بازرگانان ایرانی می‌دهد و در مقابل، اجناس مرغوبی مثل ابریشم را صادر می‌کرد.^{۲۹} او پس از آن که انحصار مبادله ابریشم را در دست گرفت به منظور کاستن از مصرف ابریشم در داخل کشور و افزودن بر صادرات آن و در نتیجه افزودن افتخارات خویش، دستور داد مردان به جای لباس‌های ابریشمی، از لباس‌های نخی و پنبه‌ای استفاده کنند.^{۳۰} شاه، ابریشم را به نیمه بها از ارامنه جلفای اصفهان، خریداری کرده و با قیمت‌هایی که خود تعیین می‌کرد، آن را می‌فروخت و همه ساله، از این راه، سودی به میزان هشت

میلیون تومان، عاید خزانه خویش می‌ساخت.^{۳۱} شاه با اختصاص دادن $\frac{1}{3}$ ابریشم خام تولید شده در ایران، به عنوان سهم شاهانه، به خود و تقسیم آن به قیمت ثابت، در میان تولید کنندگان، موانعی برای غیردولتیان ایجاد نمود، چرا که هر کس، خواهان صدور ابریشم از ایران بود، ناچاراً باید عوارض گمرکی زیادی را پرداخت می‌کرد.^{۳۲}

سیاست خارجی شاه عباس اول در زمینه تجارت ابریشم

سیاست خارجی شاه عباس در زمینه تجارت ابریشم، پیش از ورود کمپانی‌های اروپایی، تغییر جهت دادن راه تجارت ابریشم از عثمانی به جنوب و امتداد آن در خلیج فارس بود.^{۳۳} چرا که عثمانی و قشون مجهز آن، یکی از خطرات سیاسی بزرگ برای شاه بود، پس به ناچار سعی می‌کرد که از طریق علاقه‌مندی به تجارت ابریشم، به منظور مقابله با این خطرات، خود را به روابط بازرگانی و سیاسی نزدیک سازد.^{۳۴} روابط تجاری ابریشم ایران و هلند، یک رویکرد دو طرفه بود. از طرفی شاه عباس، به دلیل رقابت تجارتنی هلند با قدرت‌های اسپانیا و پرتغال، تصمیم گرفت با کمپانی هند شرقی هلند، در بندر عباس، ارتباط تجارتنی برقرار نماید.^{۳۵} از طرف دیگر هلند، خواهان برقراری این رابطه بود، به همین دلیل، پس از وقایع هرمز، توجه هلند به خلیج فارس معطوف شد و آن قدر فعالیت تجاری خود را گسترده ساخت که رقیب خطرناکی برای انگلیسی‌ها شده و نهایتاً در ۱۰۳۶ ه. ق، موافقت شاه را به تجارت ابریشم جلب کرد.^{۳۶} با این که کمپانی، در امر تجارت، خود را محدود به یک کشور خاص و یک کالای خاص نمی‌کرد و هم زمان با تجارت ابریشم ایران، با کشورهای اروپایی نیز به تجارت ادویه و لفل، مشغول بود، اما روابط تجاری آن با ایران [به ویژه] تا سال ۱۹۲۰م، مطلوب‌تر از بقیه بود.^{۳۷} در سال ۱۶۱۱م، طی یک دیدار میان «رابرت شرلی» و «گیلز دولا فابیل» (یکی از تجار هلندی) در اسپانیا، برای تجارت اسپانیا، پیشنهاد طرح یک شرکت مشترک، متشکل از (هلندی‌ها و انگلیسی‌ها) مطرح شد، اما نخست به دلیل طمعکار بودن آن تاجر هلندی و دوم، به دلیل جدیدالتأسیس بودن این کمپانی، رؤسای آن حاضر نشدند که خطرات احتمالی این کار را بر عهده بگیرند.

«انگلیسیان که در کار تجارت ابریشم، پیش دستی کرده بودند، از ترس رقابت هلندی‌ها، [در دفعات بعد] نیز پیشنهاد تشکیل یک شرکت مشترک نمودند، ولی [هر بار]، هلندی‌ها زیر بار نمی‌رفتند، زیرا هلندی‌ها مردمی حسابگر بودند و حساب کرده بودند که واردات ابریشم اروپا از ایران، حداکثر به ۶۰۰۰ عدل می‌رسد و با توجه به این که خرید ابریشم، هشت شلینگ و حداکثر بهای آن در بازار اروپا ۳۰ شلینگ بود، سود حاصل از آن با توجه به مخارج زیادی که داشت، مقرون به صرفه نبود و تجارتی به نظر نمی‌رسید مگر این که به جای پرداخت پول نقد، در برابر خرید ابریشم، اجناس دیگری مانند ادویه، شکر و قماش به ایران فروخته شود».^{۳۸}

همین ناکامی در اجرای طرح مشترک شرکت انگلیسی- هلندی، خود نشان دهنده اختلافات و رقابت شدید آنها برسر ابریشم بود.

شاه عباس، در تجارت ابریشم، بنا به عللی خاص، هلند را بر انگلیس، ارجحیت داد و در مقابل، هلندی‌ها نیز سازش پذیری بیشتری در پیشنهادات قراردادی شاه، از خود نشان می‌دادند،^{۳۹} این گونه بود که کمپانی هند شرقی هلند در سال ۱۰۰۸ ه.ق، بر تجارت کمپانی شرقی انگلیس در خلیج فارس پیشی گرفت، دستیابی هلندی‌ها به حجم عظیم ادویه و سلطه بر بازار جهانی آن که راه را برای دسترسی کمپانی هند شرقی هلند به ابریشم خام ایران هموار می‌کرد، خود، یکی از عوامل این پیشی بود.^{۴۰}

نمایندگان تجاری ایران و هلند در زمان شاه عباس اول

نخستین نماینده کمپانی هند شرقی هلند، «هورت ویسینخ» بود که در ۱۰۳۳ ه.ق با آمدن به اصفهان، سعی داشت شاه عباس را از علاقه‌مندی هلندی‌ها به تجارت ابریشم ایران، آگاه ساخته و تقاضای مشارکت تجاری نماید، شاه نیز که عمده‌ترین هدفش، ایجاد

رقابت میان هلندی‌ها و انگلیسی‌ها و در نتیجه بهره‌برداری از فضای آشفته این رقابت به نفع خود بود، به ویسینخ پاسخ مثبت داد.^{۴۱}

پس از ویسینخ، شاه عباس، به منظور استحکام بخشیدن به روابط خود با هلند، در برابر انگلیس، «موسی بیک» را به همراه یک نقاش هلندی به نام هاسلت، به دوهه، پایتخت سرزمین هلند اعزام کرد ولی این مأموریت، به دلیل نبودن مترجم حاذق و راضی نشدن مسئولین کمپانی هند شرقی هلند، ناموفق ماند، چرا که آنها نمی‌خواستند شاه عباس، به وسیله این سفیر از جریان‌ها و سیاست‌های تجارت ابریشم، بین ایران و اروپا، آگاه گردد. به خصوص که موسی بیک به خرج شاه عباس، صد عدل ابریشم باخود حمل می‌کرد و این می‌توانست نظم بازار و منافع کمپانی را به خطر اندازد.^{۴۲} در سال ۱۰۳۵ هـ ق سه سال پس از پرپایی اولین تجارت خانه هلندی در ایران، هلندی‌ها، قرارداد سه ساله‌ای را با شاه منعقد ساختند که بر آن اساس هر کالایی که وارد ایران کنند قیمت آن با ابریشم پرداخت شود. این قرارداد برای هلند می‌توانست بسیار سودمند باشد، چرا که در مقابل صادرات کالاهای خود به ایران، ابریشم فراوانی به دست می‌آوردند، البته در مقابل، حقوق گمرکی نیز پرداخت می‌کردند، اما دو سال بعد، در ۱۰۳۷ هـ ق زمانی که شاه عباس اول وارد جنگ با ترک‌ها شد، هلندی‌ها از این فرصت، سوء استفاده کرده و پرداخت حقوق گمرکی را قطع کردند.^{۴۳}

تجارت ابریشم ایران و هلند در زمان شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ هـ ق)

در سال ۱۰۳۹ هـ ق، پس از مرگ شاه عباس اول، فعالیت هلندی‌ها علیه انگلیسی‌ها به منظور کوتاه کردن دست آنها از مرکز تجاری خلیج فارس، شدت بیشتری گرفت.^{۴۴} از سوی، روابط نمایندگان کمپانی هلند با شاه صفی، نیز صمیمانه تر شده و امتیازاتشان افزایش یافت، به طوری که از پرداخت حقوق گمرکی معاف گردیدند،^{۴۵} از سوی دیگر در این زمان، کمپانی هند شرقی هلند که بر انگلیسی‌ها غلبه کرده بود، ضمن حفظ روابط

ابریشم با شاه و تجار ارمنی در ایران، در نظر داشت، شبکه بازرگانی خود را به کشورهای نظیر روس و انگلیس نیز توسعه دهد...

امتیازات تجاری هلند و معافیت آنها از حقوق گمرکی، تا ظهور یکی از رقبای کمپانی هند شرقی هلند به نام «دوک هلشتاین»^{۴۶} باقی بود. کمپانی جدید که با طرح یک قرارداد با «گراندوک مسکو» تصمیم رقابت تجاری ابریشم با کمپانی هلند گرفت. دوک هلشتاین که بر بی فایده بودن ابریشم از راه خلیج فارس برای کمپانی هلند، واقف نبود می‌خواست که از طریق حق ترانزیتی ابریشم، به بنادر دریای خزر که سرزمین ابریشم است. وارد شود، ولی پس از یک محاسبه دریافت که هر گاه ابریشم را در ایران، به نیمه بها به آنها بدهند، حقوق گمرکی و هزینه حمل و نقل ترانزیت بیش از آن خواهد بود که بتوانند ابریشم را در کشور خویش بفروشند، پس از مأموریت خود صرف‌نظر کردند و بعدها این مأموریت تجاری، تبدیل به مأموریت‌های سیاسی شد.^{۴۷}

در جریان حضور این نماینده در ایران، زمانی که کمپانی هلند به واکنش پرداخت و به طور موقت، قیمت هر بار ابریشم را افزایش داد و پس از رفتن این رقیب، دوباره قیمت هر بار را کاهش داد، چون شاه صفی متوجه کلاه‌گذاری هلند شد، از آن به بعد از کالاهای هلندی حق گمرک دریافت می‌نمود.^{۴۸} یکی دیگر از عوامل تحمیل این عوارض را می‌توان جبران عایدات از دست رفته دولت دانست، این مسائل، همه باعث شد که مقامات هلندی در باتاویا، عاملان خود را از خرید ابریشم از بازار آزاد منع نمودند.^{۴۹} در اواخر سلطنت شاه صفی، در سال ۱۰۵۰ ه‍.ق بحریه هلندی‌ها به جزیره قشم، حمله کردند و راه ورود هر گونه مال التجاره به ایران را سد کردند.^{۵۰} و در ۱۰۵۱ ه‍.ق بازرگانان هلندی برای این که تجارت خارجی را انحصاری نمایند کالاهای اروپایی را از قیمت اصلی آن در ایران ارزانتر می‌فروختند.^{۵۱}

تجارت ابریشم ایران و هلند در زمان شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه.ق)

در اوایل حکومت شاه عباس دوم، هلندی‌ها، در قشم حضور داشتند و قوای بحریه ایران را دچار ضعف نموده بودند. شاه در برابر این برخورد نظامی، با «ژان بلوک» (نماینده هلند) به یک مذاکره مسالمت‌آمیز، پرداخت^{۵۱} و طبق این مذاکره، قرارداد جدیدی درباره تجارت ابریشم منعقد شد.

بر اساس این قرارداد جدید: «هلندی‌ها حق داشتند سالیانه بیست هزار تومان، جنس بدون گمرک، صادر کنند اما تجارت کمیسیون (خرید و فروش اجناسی که متعلق به کمپانی نیست) ممنوع گردید. از این رو کمپانی موظف بود، سالیانه، ۳۰۰ عدل ابریشم، از قرار هر عدل ۳۶ من شاهی (بیش از صد کیلوگرم) به قیمت بازار خریداری کند [همچنین] قیمت هر عدل، ۴۸ تومان تعیین شد مبلغی که تقریباً ۲۰ درصد بیش از قیمت معتبر بازار بود. تا سقوط دولت صفویان، این قرارداد، پی در پی، تجدید می‌شد».^{۵۲}

در جریان این قرارداد، «در سال ۱۰۶۴ م. فردریک، دوک هلشتاین نیز [برای رقابت با کمپانی هلند] نمایندگانی به دربار ایران فرستادند، تا قراردادی برای خرید تمام ابریشم ایران و صدور آن به اروپا منعقد نماید».^{۵۳}

در مجموع می‌توان گفت، در زمان شاه عباس دوم، تجارت هلندی‌ها در ایران رونق کامل داشت، چرا که آنها برای حفظ روابط سیاسی و تجاری خود، سعی می‌کردند با تقدیم تحف، فریب درباریان و نزدیکان شاه، خود را هر چه بیشتر به شاه نزدیک سازند، فرستادن دو نقاش هلندی به نام‌های «آنزل» و «لوکار» برای آموزش نقاشی به شاه و یا برگزاری مراسم تشریفاتی از سوی کمپانی هند شرقی هلند در زمان ورود شاه به پایتخت، همه و همه در موفقیت آنها نقش داشت.^{۵۴}

تجارت ابریشم ایران و هلند در زمان شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ه. ق)

«ژان وان لنین» یکی از نمایندگان هلندی بود که به منظور تقاضای تخفیف در قیمت فروش ابریشم، به دربار شاه سلیمان آمد. رفتار شاه سلیمان، با این سفیر، بسیار محترمانه بود و تخفیف‌هایی نیز برای آنها قائل شد، اما اشکال کار در این بود که ابریشمی که به هلندی‌ها داده می‌شد، به قدری پست و بد بود که این تخفیف نتوانست مفید واقع شود.^{۵۵}

(به عبارت دیگر «کیفیت»، یکی از ویژگی‌های بارز ابریشم بود که عمدتاً در جریان تجارت با کمپانی هلند، مورد شکایت واقع می‌شد).^{۵۶}

کمپانی در سال ۱۰۸۴ م. به دلیل درگیری هلند با فرانسه و کمبود کشتی‌های تجاری برای اعزام به خلیج فارس از خرید ابریشم ایران خودداری کرد.^{۵۷}

به دنبال جریان پست بودن ابریشم فروخته شده به هلند و در نتیجه متوقف شدن موقتی روابط تجاری ابریشم ایران و هلند، ایران مجدداً در سال ۱۶۸۶ م. / ۱۰۹۶ ه. ق با وعده و وعیدهای بی‌اساس، هلندیان را فریب داده و از یک سفیر هلندی به نام «وان هول» دعوت به عمل آوردند که این نماینده نیز پس از سه سال اقامت در ایران، بدون هیچ فایده به کشور خویش بازگشت.^{۵۸} در سال ۱۶۷۳ م. / ۱۱۰۰ ه. ق، روابط تجاری ابریشم ایران و هلند، رو به ضعف گرایید چرا که کمپانی هند شرقی هلند، به دلیل جنگ با انگلستان و نیز نوسان قیمت ابریشم و میزان آن، تجارت ابریشم یک معامله کاملاً پر ضرر به شمار می‌رفت، پس از آن، هلند سعی می‌کرد مقدار کمتری ابریشم خریداری کند^{۵۹} البته در «سفرنامه سانسون» که یکی از مهم‌ترین سفرنامه‌های زمان شاه سلیمان صفوی است، چنین عنوان شده که:

«هلندی‌ها تنها ملتی نیستند که از تجارت با ایران ضرر می‌کنند و

ناراضی می‌باشند [بلکه] وضع پول در ایران، به قدری بد می‌باشد و ارزش

آن به قدری کاسته شده که هیچ کس حاضر نیست مال‌التجاره خود را به

ایران بیاورد و در برابر آن پول مس ایران را دریافت کند.»^{۶۰}

امتیازات هلندیان، در زمان شاه سلیمان، به حدی محدود شد که میرانش به سیصد بار ابریشم (نصف زمان شاه عباس دوم، رسید^{۶۱} و در واقع «از معامله با ایران در زمینه ابریشم، محروم شد».^{۶۲} شاه سلیمان، از متوقف شدن تجارت ابریشم، ضرر چندانی نکرد زیرا ابریشم، برای مصرف کارگاه‌های نساجی اصفهان، کاشان، تبریز و مشهد به کار می‌رفت و پارچه‌های زربفت ابریشمی آن به مصرف اهالی ایران می‌رسید.

تجارت ابریشم و هلند در زمان شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ هـ.ق)

در اوایل سلطنت شاه سلطان حسین، در سال ۱۱۰۷ هـ.ق ۱۶۹۵ م/ دولت ایران، روابط تجاری خود با هلند را کاهش داد و به بهانه کم بودن محصول و صدور آن به روسیه، از صادرات ابریشم به هلند خودداری نمود. [اما در این کار موافق میل هلندی‌ها نبود چرا که] پنج سال بعد، یعنی در ۱۱۱۲ هـ.ق/ ۱۷۰۰ م، هلند، نماینده‌ای به نام «هوک کامر» را به دربار ایران فرستاد تا شاید موافقت شاه سلطان حسین را به دست آورده و خرید ابریشم را انحصاری نماید.^{۶۳} شاه به دلیل این که همیشه هلندی‌ها، ادویه می‌بخرند و ایران را تأمین کرده بودند و تاکنون ابریشم ایران را باقیمتی بالا خریده بودند تا حدودی تقاضای سفیر هلند را پذیرفت.^{۶۴}

«کمپانی هندشرقی هلند، موظف به خرید ۱۰۰۰ عدل ابریشم، در سال بود و در مقابل متعهد شد که سالانه ۲۰۰۰ کیسه شکر از قرار هر کیسه ۵۰ من شاهی به دربار ایران ارسال دارد».^{۶۵}

در زمان شاه سلطان حسین، یکی از عوامل تضعیف روابط تجاری ایران و هلند، تلاش‌های انگلیس بود، چراکه نمایندگان شرکت هند شرقی انگلیس، ظاهراً روحیات شاه را بهتر از هلندی‌ها شناخته بودند و سعی می‌کردند با برگزاری تشریفات گوناگون، منافع شاه را در تجارت تأمین کنند. این گونه بود که تدریجاً از حیثیت و اعتبار هلندی‌ها در ایران کاسته شد، به حدی که وقتی هلندی‌ها می‌خواستند برای حفظ منافع تجاری خود در بندر عباس قلعه‌ای بسازند با تعمیم آنها از سوی شاه مخالفت شد.^{۶۶}

در اواخر، این دوره، یعنی پس از حمله افغانه به ایران، تجارت هلندی‌ها به کلی رو به انحطاط گرایید، زیرا گذشته از نابسامانی اوضاع تجاری، افغان‌ها، پول‌های فراوانی از هلندی‌ها طلب می‌کردند و در جریان یک حمله، تجارتخانه هلندی‌ها را ویران کرده و اموال تجاری آنها را به یغما بردند.^{۳۷}

نتیجه

با ورود اروپاییان به ایران در قرن هفدهم میلادی، کشور ما وارد یک اقتصاد جهانی شد و برای حفظ منافع تجاری خود، گاه ناگزیر به جنگ‌های نظامی می‌شد. هلند یکی از کشورهایی بود که قبل از ورود به ایران با هندوستان روابط تجاری داشت. این کشور، پس از تأسیس یک پایگاه تجاری در خلیج فارس، با عنوان «کمپانی هند شرقی هلند» در زمان شاه عباس اول، سعی می‌کرد با اعزام نمایندگان مختلف به دربار شاهان صفوی، عمدتاً به کسب امتیاز کالاهایی بپردازد که با فروش آنها در بازارهای جهانی، سود هنگفتی کسب کند و بتواند به این وسیله، به رقابت دول اروپایی خود از جمله پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها بپردازد. از مطالعه این پژوهش، این گونه استنباط می‌شود که اولاً روابط ایران با هلند هرگز یک رابطه سیاسی نبوده و مثل پرتغال و انگلیس، درگیری‌های نظامی میان آنها وجود نداشته چرا که متن قراردادهای آنها نشان دهنده اهداف تجاری به ویژه ابریشم بوده است. [لازم به ذکر است که آغاز این روابط به زمان شاه عباس اول بر می‌گردد، اوج آن در زمان شاه عباس دوم و ضعف و انحطاط تدریجی آن از زمان شاه سلیمان است.

ثانیاً ابریشم یک کالای ارزشمند برای ایران بوده، اما نکته اساسی در این است که با این وجود، حتی شاه عباس اول هم نتوانست با سیاست‌های خاص خود، تجارت این کالا را انحصاری کند، چرا که اگر یک کالای انحصاری برای ایران بود، هرگز امتیاز تجاری آن به دست اروپاییان از جمله هلندیان قرار نمی‌گرفت. سوماً با وجود ارزش این کالا تصور می‌رفت بتواند اقتصاد عقب مانده ایران را بهبود بخشد، در عمل نتوانست برای ایران نتایج پر باری داشته باشد، حتی هلندیان نیز نتوانستند در دراز مدت، موفق باشند، چرا که در

پایان، دخالت انگلیس‌ها (رقیب دیرینه هلند) و حمله افغانه در زمان شاه سلطان حسین، ضربه مهلکی براین روابط، وارد کرد.

یادداشت‌ها

- ۱- اولتاریوس، آدام: سفرنامه اولتاریوس، مترجم: احمد بهپور، بی جا، انتشارات ابتکار، ۱۳۶۳، ص ۲۶۷.
- ۲- willem Floor & "The Dutch and the Persian silk Trade", The History and politics of an Islamic society Cambridge university, landan, ۱۹۹۶. p ۳۳۶.
- ۳- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۶۲، ص ۱۱۸.
- ۴- فلسفی، نصرالله: زندگانی شاه عباس، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ج ۵.
- ۵- willem Floor & "The Dutch and the Persian silk Trade". p ۳۳۰.
- ۶- آدام اولتاریوس: سفرنامه اولتاریوس، ص ۵.
- ۷- تاج بخش، احمد: ایران در زمان صفویه، تهران، انتشارات کتابفروشی چهار، ۱۳۴۰، ص ۲۵۴.
- ۸- تاورینه، ژان باپتیست: سفرنامه تاورینه، مترجم: ابوتراب نوری، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۶۹، ص ۶۰۱.
- * ماهوت: یک نوع پارچه پشمینه کلفت پرزدار نفیس که از آن لباس و پرده و غیره دوزند لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۷۶۹۷.
- ۹- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ص ۱۱۵.
- ۱۰- سیف، احمد: اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۳.
- ۱۱- تاج بخش، احمد: ایران در زمان صفویه، صص ۱۵۲، ۱۵۱.
- ۱۲- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا: تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۹، ص ۹۹.

- ۱۳- همان، ص ۱۰۰.
- ۱۴- تاج بخش، احمد: ایران در زمان صفویه، ص ۱۵۲.
- ۱۵- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ص ۱۱۶.
- ۱۶- علی بابایی، غلامرضا: تاریخ سیاست خارجی ایران، تهران، انتشارات درسا، ۱۳۷۵، ص ۸۴۶.
- ۱۷- عبدالرضا هوشنگ مهدوی: تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۹۹؛ فلسفی، نصرالله: تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، ج ۱، تهران، چاپخانه ایران، بی تا، ص ۹۳.
- ۱۸- علی بابایی، غلامرضا: تاریخ سیاست خارجی ایران، ص ۸۴۶.
- ۱۹- نوایی، عبدالحسین: روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷.
- ۲۰- تاج بخش، احمد: ایران در زمان صفویه، ص ۱۷۱.
- ۲۱- willem Floor, "The Dutch and the Persian silk Trade". p ۳۴۸.
- ** عدل: لنگه بار- یک طرف بار که به فارسی تنگ گویند. دوازده من تبریز است و واحدی است که بیشتر در مورد لباس و پارچه به کار می رود مثلاً یک عدل چیت، یک عدل ماهوت و... (لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۳۹۰۶).
- ۲۲- ibid, p ۳۴۵.
- ۲۳- ibid, p ۳۴۶.
- ۲۴- ibid, p ۳۴۷.
- ۲۵- ibid, p ۳۴۸.
- ۲۶- فلسفی، نصرالله: تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، ص ۱۰۳.
- ۲۷- فلسفی، نصرالله: زندگانی شاه عباس، ج ۵، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۵۷.
- ۲۸- عزت الله نودری: تاریخ اجتماعی ایران (از آغاز تا مشروطیت)، بی جا انتشارات آتیه، ۱۳۷۶، ص ۲۱۵، ج ۵.
- ۲۹- فلسفی، نصرالله: زندگانی شاه عباس، ج ۵، ص ۱۹۴۷.

۳۰- همان جا.

۳۱- فلسفی، نصرالله: «تجارت ابریشم ایران»، مجله وحید، ش اول، ۱۳۵۳، ص ۱۴.

۳۲- فوران، جان: مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، مترجم: احمد تدین، تهران، انتشارات: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، ص ۶۷.

۳۳-willem Floor, "The Dutch and the Persian silk Trade". P.۳۲۴.

۳۴- آدام اولتاریوس: سفرنامه اولتاریوس، ص ۵.

۳۵- شوستر والسر، سیبلا: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپائیان، مترجم: غلامرضا ورهرام، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۰۶.

۳۶- بیات، عزیز الله: کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳، ص ۳۳.

۳۷-willem Floor, "The Dutch and the Persian silk Trade" P.۳۴۸.

۳۸- علی بابایی، غلامرضا: تاریخ سیاست خارجی ایران، ص ۸۴۷.

۳۹- سیوری، راجر: ایران عصر صفوی، مترجم: کامبیز عزیزی، تهران، انتشارات سحر، ۱۳۷۲، صص ۱۹۵-۱۹۶.

۴۰- فوران، جان: مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، ص ۶۷.

۴۱- تاج بخش، احمد: ایران در زمان صفویه، ص ۱۵۱.

۴۲- ولایتی، علی اکبر: تاریخ روابط خارجی ایران در عهدشاه عباس اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۱۵۵.

۴۳- تاج بخش، احمد: ایران در زمان صفویه، ص ۱۵۲.

۴۴- همان، ص ۱۵۲.

۴۵- محمد ابراهیم باستانی پاریزی: سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ص ۱۱۶.

*** دوک هلشتاین: نام یکی از ایالات تحت فرمانروایی فردریش سوم در شمال آلمان بود

که در سال ۱۶۳۳ مایل بود در قلمرو خود کارخانه های ابریشم بافی دایر کند متوجه

تجارت ابریشم ایران گردید.

- ۴۶) شاردن، ژان: سفرنامه شاردن، ترجمه حسین عریضی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۶۲، ص ۱۷۷
- ۴۷) اولیاریوس: سفرنامه اولیاریوس، ص ۱۱۵.
- ۴۸) راجر سیوری: ایران عصر صفوی، ص ۱۸۷-۱۹۶.
- ۴۹) احمد تاج بخش: ایران در زمان صفویه، ص ۱۶۶.
- ۵۰) محمد ابراهیم باستانی پاریزی: سیاست و اقتصاد عصر صفویه، ص ۱۱۶.
- ۵۱) احمد تاج بخش: ایران در زمان صفویه، ص ۱۶۶.
- ۵۲) سیبلا شوستر: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپاییان، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.
- ۵۳) احمد تاج بخش: ایران در زمان صفویه، ص ۱۶۵.
- ۵۴) نصرالله فلسفی: تاریخ روابط خارجی ایران و اروپا در دوره صفویه، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.
- ۵۵) ایران در زمان صفویه، ص ۱۷۳.
- ۵۶) Willemfloor-The dutch and the Persian silk trade... p۳۴۴ .
- ۵۷) ایران در زمان صفویه، ص ۱۷۱.
- ۵۸) سانسون، مارتین: سفرنامه سانسون، ترجمه تقی تفضلی، تهران، بی نا، ۱۳۴۶، ص ۱۷۱.
- ۵۹) سیبلا شوستر والسر: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپاییان، ص ۱۰۸.
- ۶۰) مارتین سانسون: سفرنامه سانسون، ص ۱۸۸.
- ۶۱) محمد ابراهیم باستانی پاریزی: سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ص ۱۱۶.
- ۶۲) عزیز الله بیات: کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، صص ۳۳ و ۳۴.
- ۶۳) احمد تاج بخش: ایران در زمان صفویه، ص ۱۷۳.
- ۶۴) همان، ص ۱۷۴.
- ۶۵) سیبلا شوستر والسر: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپاییان، ص ۱۰۸.
- ۶۶) نصرالله فلسفی: تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، ص ۱۱۰.
- ۶۷) عبدالحسین نوایی: روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، ص ۱۸۲.

فهرست ماخذ

- ۱) اولتاریوس، آدام: سفرنامه اولتاریوس، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکار، ۱۳۷۳.
- ۲) باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران، صفی علی شاه، ۱۳۶۲.
- ۳) بیات، عزیزالله: کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- ۴) تاورنیه، ژان باپتیست: سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تهران، سنایی، ۱۳۶۹.
- ۵) تاج بخش، احمد: ایران در زمان صفویه، تهران، چهر، ۱۳۴۹.
- ۶) سانسون، مارتین: سفرنامه سانسون، ترجمه تقی ثقلی، تهران، بی نا، ۱۳۴۰.
- ۷) سیف احمد: اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، چشمه، ۱۳۷۳.
- ۸) سیوری، راجر: ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، سحر، ۱۳۷۲.
- ۹) شاردن، ژان: سفرنامه شاردن، ترجمه حسین عریضی، تهران، نگاه، ۱۳۶۲.
- ۱۰) شوستر و السر، سیبیل، ایران صفوی از دیدگاه سفر نامه های اروپاییان، ترجمه غلامرضا وهرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۱۱) علی بابایی، غلامرضا: تاریخ سیاست خارجی ایران، تهران، درس، ۱۳۷۵.
- ۱۲) فلسفی، نصرالله: زندگانی شاه عباس، تهران، علمی، ۱۳۶۹.
- ۱۳) فلسفی، نصرالله: تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، تهران، چاپخانه ایران، بی تا.
- ۱۴) فلسفی، نصرالله: تجارت ابریشم ایران، مجله وحید، ش اول، بی جا، بی نا، ۱۳۵۳.
- ۱۵) فوران، جان: مقاومت شکننده در تاریخ تحولات اجتماعی ایران در عهد شاه عباس اول، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- ۱۶) مهدوی، عبدالرضا هوشنگ: تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹.
- ۱۷) نوایی، عبدالحسین: روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران، سمت، ۱۳۷۷.
- ۱۸) نوذری، عزت الله: تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت، تهران، آتیه، ۱۳۷۶.
- ۱۹) ولایتی، علی اکبر: تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عباس اول، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

۲۰) floor.Willem: "the Dutch and the persian silk Trade" The history and Islamik Society. Cambridge university. Landan. ۱۹۹۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او مطالعاتو د پوهنتون
پرتال جامع علومو او مطالعاتو د پوهنتون